

مجله روان شناسی اجتماعی

سال نهم، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۳

صفحات مقاله: ۱۱۶ - ۱۰۵

تاریخ وصول: ۹۲/۸/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۷

مقایسه نوع دوستی، حس همدلی و مسؤولیت پذیری اجتماعی بین مشاوران زن و مرد شهر اهواز

زهرا دشت بزرگی^۱
سحر صفرزاده^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه نوع دوستی، حس همدلی و مسؤولیت پذیری اجتماعی بین مشاوران زن و مرد شهر اهواز بود. آزمودنیها شامل ۲۰۴ نفر (۱۰۶ زن و ۹۸ مرد) بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های؛ رفتار نوع دوستانه، مقیاس بهره همدلی و مسؤولیت پذیری اجتماعی استفاده شد و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش واریانس چند متغیری مانوا (MANOVA) نشان داد که: از لحاظ مؤلفه های نوع دوستی، حس همدلی و مسؤولیت پذیری اجتماعی بین مشاوران زن و مرد تفاوت معنی داری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: نوع دوستی، حس همدلی، مسؤولیت پذیری اجتماعی، مشاور.

۱. عضو هیئت علمی گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول: zahradb2000@yahoo.com)

۲. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران. (safarzadeh1152@yahoo.com)

مقدمه

تفاوت‌های زن و مرد از گذشته دور مورد بحث بوده و امروزه نیز مورد توجه متخصصان علوم اجتماعی است. چرا که جنسیت عامل مهم در فرصت‌های شغلی ایجاد کرده و تأثیر نیرومندی بر نقش‌هایی دارد که زنان و مردان در نهادهای اجتماعی از خانواده گرفته تا دولت ایفا می‌نمایند. در پی آن یکی از حوزه‌هایی که مباحث و پژوهش‌های متعددی را برانگیخته است، بررسی تفاوت جنسیت در بروز رفتارهای نوع دوستانه و همدلی در فرایند مشاوره می‌باشد، زیرا پژوهش‌های افرادی همچون دیسیتی^۱ (۲۰۱۱)، کونراد، اوبرین و هزینگ^۲ (۲۰۱۱) و سیگرین و تیلور^۳ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند که دغدغه‌های نوع دوستی و همدلی به رفتار یاری‌رساندن می‌انجامد. «همدلی^۴ که طبق تعریف تامپسون^۵ (۲۰۰۱) پیش‌زمینه رفتار نوع‌دوستانه است و توانایی تجربه و درک آنچه دیگران احساس میکنند می‌داند، در فرایند مشاوره به عنوان یک جریان تخصصی باعث می‌شود، مراجع خود را بیشتر بشناسد، چگونگی تصمیم‌گیری را بیاموزد و سرانجام راه مناسب برای حل مشکل خود پیدا کند. بنابراین مشاور باید محیطی توأم با درک، همدلی و دوستی به وجود آورد تا مراجع احساس امنیت نموده و مسایل خود را مطرح سازد. در عین حال عمده‌ترین شرایط لازم برای مراکز، استاندارد بودن و توجه به نیازهای مراجعان است. در این زمینه تحقیقات نشان داده است که توان علمی، تجربه و متعدد بودن مشاور در موفقیت او تأثیر دارد. همچنین عواملی نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل و وضع ظاهری مشاور از جمله عواملی هستند که در انتخاب وی از طرف مراجعه‌کننده تأثیر می‌گذارد. از سویی دیگر ملاحظه شده است که مردم مشاورانی را ترجیح می‌دهند که رفتار دوستانه داشته باشند و در برخورد با آنان به جای دلسوزی همدلی داشته باشند (شامی-تسوری، آرون-پیترز و پری^۶، ۲۰۰۸؛ استیل و همکاران^۷، ۲۰۰۸).

از جمله ویژگی‌های دیگری که در روند مشاوره به میزان زیادی شایان توجه است، و به طبع باعث ادامه روند درمان و در کل ایجاد مسیر رو به بهبود در مراجع می‌شود رفتار توأم با نوع‌دوستی مشاور است. رفتار «نوع‌دوستانه^۸» عبارت است از "رفتارهایی که پاسخی مثبت، به رفاه و نیازهای دیگران هستند و هدف آن‌ها کمک به اطرافیان می‌باشد" و در عین حال باعث نفع رساندن به دیگران می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰) از جمله این رفتارها می‌توان به؛ سهمی شدن، محبت کردن، توجه نشان دادن، همکاری کردن، حمایت کردن نجات دادن دیگران از خطر و احساس همدلی کردن

1. Decety
2. Konrath, O'Brien & Hsing
3. Segrin & Taylor
4. empathy
5. Thompson
6. Shamay-Tsoory, Aharon-Peretz & Perry
7. Steele & et al
8. altruism

با دیگران اشاره کرد (الول، ۲۰۰۲). باتسون، دونکا، آکرمن، بوکلی و بیرچ^۲ (۱۹۸۱) در قالب نظریه‌ی همدلی، که عمدتاً معطوف به تبیین ویژگی‌های مردمان نועدوست است، این ویژگی را بر حسب توانایی همدردی و میزان همدلی بیان می‌کند و معتقد است افرادی که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری، قادر باشند خود را به جای فرد نیازمند به کمک بگذارند و با فرد نیازمند همدلی کنند بیشتر محتمل تر است اقدام به رفتار نوع دوستانه نمایند.

پژوهش‌های متعدد از جمله تحقیق توماس^۳ (۲۰۰۲)، نقل از علی، آموریم و چامورو-پریموزیک^۴ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد بین رفتار نوع دوستی با حس همدلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش همدلی باعث تمایل به نوع دوستی، و کاهش همدلی باعث تمایل بیشتر به بی‌تفاوتی می‌شود. فردی که همدل است در قبال زندگی و احساسات اطرافیان خود نועدوستی و همیاری نشان می‌دهد. بر عکس کسانی که فاقد همدلی اند بدون در نظر داشتن سایرین و تاثیر اعمالشان بر آنان، صرفاً به علائق و جاه طلبی‌های خود توجه دارند (بلاک^۵، ۲۰۰۰، نقل از علی، آموریم و چامورو-پریموزیک، ۲۰۰۹) عمل نوع دوستانه ناب زمانی می‌تواند به طور قابل اعتماد رخ دهد که توجه همدلانه به دیگری پیشاپیش آن قرار گیرد. توجه همدلانه به عنوان یک واکنش هیجانی با احساساتی از قبیل شفقت، دلسوزی، دل‌رحمی و همدردی تعریف می‌شود (ارنسون و همکاران^۶، ۲۰۰۲). تجربه همدلی اغلب منجر به مسؤولیت‌پذیری (اهمیت دادن به دیگری بر پایه درک و فهم موقعیت و حالت دیگران) می‌شود. از طرفی مسؤولیت‌پذیری یکی از اصول اساسی برای نوع دوستی است یعنی فرد باید خود را مسئول بداند و احساس مسؤولیت کند تا نسبت به دیگران بی‌تفاوت نباشد (لاتانه و دارلی^۷، ۱۹۷۰). بنابراین درونی‌سازی هرچه بیشتر مسؤولیت‌پذیری، باعث تمایل به نועدوستی می‌شود و کاهش آن موجب افزایش بی‌تفاوتی می‌گردد (لوین، نورنزیان و فیلبریک^۸، ۲۰۰۶)

همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی نقشی اساسی در زندگی اجتماعی دارد (ریف، کتлер و ویفرینگ^۹، ۲۰۱۰) و نیروی برانگیزنده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد و به شکل یکسان در همه انسانها چه زن و چه مرد وجود دارد (جولیفی و فارینگتن^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ریف، کتлер و ویفرینگ، ۲۰۱۰). همدلی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت آمیز، پاسخ بین شخصی

1. Elwell
2. Batson, Duncan, Ackerman, Buckley & Birch
3. Tomas
4. Ali, Amorim & Chamorro-Premuzic
5. Blouk
6. Aronson & et al
7. Latane & Darley
8. Levine, Norenzayan & Philbrick
9. Rieffe, Ketelear & Wiefferink
10. Jolliffe & Farrington

زنان و مردان محسوب می‌شود (سوسا، مکدونالد، راشبی، لی، دیموسکا و جیمز، ۲۰۱۰). برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که جنسیت با همدلی و ارزشهای نועدوستی ارتباط دارد. تصورات قالبی، صفتهای مرتبط به پرورش یعنی همدلی و اهمیت دادن به دیگران را به زنان نسبت می‌دهند (رادمن و گلیو، ۲۰۰۸). پژوهش‌های زمینه‌یابی نیز نشان داده‌اند که زنان در همدلی نسبت به مردان برتری دارند این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زنان در مقیاسهای نועدوستی و همدلی نمرات بالاتری می‌آورند و زنان نועدوستر از مردان هستند (رایس و گروسک^۲، ۱۹۷۵؛ گروسک و رودلر^۳، ۱۹۸۰؛ برگ^۴، ۱۹۸۴؛ نقل از وست و براون^۵، ۱۹۹۴). این پژوهشگران معتقدند زنان در فرایند اجتماعی شدن عاطفی بار می‌آیند و نیز به دلیل نقش‌های جنسیتی که با گرمی در روابط بین فردی، گرایش به روابط اجتماعی و نیز حساسیت در روابط بین فردی مشخص می‌شود، تمایل بیشتری به برخی رفتارهای نوع دوستانه و همدلی و در نتیجه مسؤلیت‌پذیری دارند. از طرفی برخی پژوهش‌ها معتقدند که جنسیت، عامل تاثیر‌گذاری بر رفتارهای مسؤلیت‌پذیری محسوب نمی‌شود (کوهن^۶، ۲۰۰۰) و برخی دیگر تأکید دارند که میزان مسؤلیت‌پذیری به جنسیت بستگی دارد (بارن، پارکر و جیمز^۷، ۲۰۰۰).

همچنین هاویلاند و مالاستس^۸ (۱۹۸۱) و باولک^۹ (۲۰۰۳) عنوان کرده‌اند که پسران به لحاظ ذاتی واکنش عاطفی و هیجانی بیشتری را در مقایسه با دختران نشان می‌دهند. مردان به راحتی از جا می‌پرند، زودتر هیجان زده می‌شوند، تحمل کمتری برای تنش و ناکامی داشته، زودتر آشفته می‌شوند و نوسان عاطفی بیشتری بین حالت‌های هیجانی دارند. بنابراین مردان در فرایند اجتماعی سازی یاد می‌گیرند که همدلی عاطفی کمتر و در عوض همدلی رفتاری بیشتری از خود نشان دهند. در حالی که این وضعیت در زنان بالعکس است (نقل از لورانت و هودجز^{۱۰}، ۲۰۰۹). همچنین پژوهش‌های دیگری تأکید دارند که مردان نועدوست‌تر از زنان هستند (پیلیاوین و چارنگ^{۱۱}، ۱۹۹۰). به نظر آنان نقش جنسیتی مردان بر استقلال، کنترل نفس، علاقه به موفقیت، رفتار قاطع، و اعتماد به نفس در تصمیم‌های شخصی تأکید دارد و همین امر باعث رفتار نועدوستانه در آنان بیشتر از زنان می‌شود. در عین حال ویلسون^{۱۲} (ترجمه وهاب زاده، ۱۳۸۴) معتقد است زنان به دلیل پاره‌ای ویژگیهای زیستی، کمتر تمایل به رفتار نועدوستانه دارند و در صورت تمایل نیز رفتار نועدوستانه

1. Sousa, McDonald, Rushby, Li, Dimoska & James
2. Rice & Grusec
3. Grusec & Redler
4. Berg
5. West & Brown
6. Cohen
7. Baron, Parker & James
8. Haviland & Malatestes
9. Bovlac
10. Laurent & Hodges
11. Piliavin & charng
12. Wilson

شان بیشتر معطوف به درون خانواده است اما مردان تمایل بیشتری به رفتار نועدوستانه داشته و رفتارهای نועدوستانه شان بیشتر معطوف به اجتماع است. یولین^۱ (۱۹۸۴) و میلز و گروسک^۲ (۱۹۹۱) نیز طی تحقیقی نشان داد زنان به لحاظ شخصیتی نسبت به درگیری در فعالیت‌ها و وضعیت‌های با خطر پذیری بالایی رغبت هستند و با توجه به این که همین وضعیت‌ها معمولاً پیش‌نیاز رفتار نועدوستانه هستند، تمایل به رفتار نועدوستانه در زنان کمتر است.

با اینکه چندین پژوهش مدعی شده‌اند زنان نمره‌های بالاتری در همدلی گزارش می‌کنند و برخی در مردان این نتایج را بالاتر می‌دانند، هنوز مشخص نیست که میزان تفاوت این متغیرها به درستی در دو جنس چگونه است. بعلاوه نوع دوستی و همدلی اثرات سودمند پدیده‌ای بر نگرش‌ها و رفتار مشاورین که به عنوان افراد یاری‌رسان از آنها انتظار می‌رود افرادی نועدوست و همدل باشند، دارند (الول، ۲۰۰۲). از طرفی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نوع جنسیت مشاوران در کل برای مراجعان مهم است و برخی مراجعان، مشاورین خود را بر اساس جنسیت آنها انتخاب می‌کنند. براین اساس مراجعین زن، مشاور زن و مراجعین مرد، مشاور مرد را بیشتر ترجیح می‌دهند (اگروکزیک، پیر، جویس، اشتراک و دوگال^۳، ۲۰۰۹). اما اینجا این نکته حائز اهمیت است که آیا زنان و مردان مراجع بدلیل تفاوت مشاوران زن و مرد در زمینه میزان نועدوستی و همدلی و مسئولیت‌پذیری به آنها مراجعه می‌کنند و یا در کل بین مشاوران زن و مرد از لحاظ این مؤلفه‌ها تفاوت وجود دارد؟ بنابراین پژوهش حاضر بدنبال تلاش در جهت دادن پاسخ علمی به این سؤال است که آیا مشاوران زن و مرد از لحاظ مؤلفه‌های نوع دوستی و همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین مشاوران زن و مرد از لحاظ نועدوستی تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مشاوران زن و مرد از لحاظ همدلی تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مشاوران زن و مرد از لحاظ مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

طرح این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل کلیه مشاوران مرد و زن شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی شهرستان اهواز بود که حداقل ۳ سال تجربه یا سابقه‌ی کار مشاوره داشته باشند. از این جامعه به صورت در دسترس تعداد ۲۰۴ مشاور که حاضر به همکاری بودند انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. از این تعداد ۱۰۶ نفر زن و ۹۸ نفر مرد بودند. که تحصیلات آنها کارشناسی ارشد و دکترا بود. حداقل سن پاسخ‌گویان

1. Ullian

2. Mills & Grusek

3. Ogrodniczuk, Piper, Joyce, Steinberg & Duggal

۲۹ سال و حداکثر ۵۷ سال بود. از نظر وضعیت تأهل ۱۲۴ نفر متاهل (۷۷ مرد و ۴۷ نفر زن) و ۸۰ نفر مجرد (۲۱ نفر مرد و ۵۹ زن) بودند.

ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه ارزشهای نوع دوستانه: رفتار نوع دوستانه که توسط وب^۱ (۲۰۰۰) ساخته شد به عنوان مجموع ای از پاسخ‌های نمره‌گذاری شده به چهار سؤال که طیف پاسخگویی به این پرسشنامه پنج درجه ای لیکرت (اصلاً=۵ و بسیار زیاد=۱) است. اسمیت^۲ (۲۰۰۶) میانگین همبستگی درونی گویه‌ها را ۰/۲۴ و ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۵۵ گزارش نمود. در تحقیق حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۵ محاسبه شد.

ب) مقیاس بهره همدلی بارون-کوهن^۳: این مقیاس از ۴۰ مورد تشکیل شده که در کل بهره همدلی را مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس بهره همدلی سه عامل را می‌سنجد: همدلی شناختی (۹ مورد) مهارت‌های اجتماعی (۸ مورد) و واکنش‌پذیری هیجانی (۹ مورد). آزمودنی‌ها به این سؤال‌ها با یک مقیاس چهار درجه ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق پاسخ دادند. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۵ گزارش شده است (کیم و لی^۴، ۲۰۱۰). نسخه فارسی این مقیاس توسط ابوالقاسمی^۵ (۲۰۱۰) با ترجمه نسخه اصلی تهیه و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را در ایران در دامنه ای از ۰/۸۳ الی ۰/۹۰ و ضریب پایایی باز آزمایشی (بعد از چهار هفته) را در دامنه ای از ۰/۷۱ الی ۰/۷۸ گزارش کرده است. روایی محتوی این پرسشنامه در تحقیق ابوالقاسمی با استناد بر نظر چند متخصص روان‌سنجی لحاظ گردیده است (ابوالقاسمی، ۲۰۱۰). در تحقیق حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۷ محاسبه شد.

ج) پرسشنامه مسؤلیت‌پذیری اجتماعی: در این تحقیق از خرده مقیاس مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا^۶ (CPI-R) استفاده شده است. کل این پرسشنامه ۴۶۲ سوال به شکل بله و خیر داشته و ۴۲ ماده از آن مربوط به حس مسؤلیت‌پذیری است. این پرسشنامه برای نخستین بار توسط هاریسون گاف^۷ در سال ۱۹۵۱ با ۶۴۸ سوال و ۱۵ ویژگی شخصیتی انتشار یافت و در سال ۱۹۵۷ مقیاس‌های آن به ۱۸ مورد افزایش یافت تا این که دوباره در سال ۱۹۸۷ دوباره مورد تجدید نظر قرار گرفته و تعداد سوال‌های آن به ۴۶۲ و خرده مقیاس‌های آن به ۲۰ عدد افزایش یافت (مارنات^۸، پاشا شریفی، ۱۳۸۵). حمزه لویی (۱۳۷۳) در پژوهشی بر روی ۱۲۸ نفر

1. Webb
2. Smith
3. Baron- Cohen
4. Kim & Lee
5. Abolghasemi
6. California personality Test
7. Harison Gaff
8. Marnot

برای سنجش مسئولیت پذیری، از خرده مقیاس سنجش مسئولیت پذیری پرسشنامه مذکور استفاده نمود و پایایی خرده مقیاس را از روش دونیمه سازی سوالات فرد و زوج محاسبه نمود که میزان آن برابر $r = 0/65$ شد. همچنین موسوی (۱۳۷۷) نیز در پژوهشی ضرایب پایایی مقیاس مسئولیت پذیری به سه روش دونیمه سازی سوالات فرد و زوج، آلفای کرونباخ و گتمن محاسبه کرده که به ترتیب $0/69$ ، $0/70$ و $0/69$ به دست آمده است. همچنین برای نتایج همین پژوهش برای محاسبه ضرایب اعتبار خرده مقیاس مسئولیت پذیری از روش ملاکی هم زمان استفاده شده است و مقدار آن برابر با $0/61$ بوده که در سطح $0/001$ معنی دار می باشد. در تحقیق حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب $0/89$ و $0/83$ محاسبه شد.

یافته های پژوهش

شاخص های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش به صورت میانگین و انحراف استاندارد، در جدول ۱ مشاهده می شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد پرسشنامه نوع دوستی و همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی در گروه مشاوران زن و مرد

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
نوع دوستی	زن	۱۷/۰۵	۱/۵۴	۹۸
	مرد	۱۷/۰۹	۱/۵۸	۱۰۶
همدلی	زن	۷۵/۷۵	۲/۳۰	۹۸
	مرد	۷۵/۶۳	۲/۹۲	۱۰۶
مسئولیت پذیری اجتماعی	زن	۳۵/۸۴	۲/۱۶	۹۸
	مرد	۳۵/۸۹	۲/۲۱	۱۰۶

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس بر روی نمره های نوع دوستی و همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی در گروه مشاوران زن و مرد

گروه	اثر آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	سطح معنی داری
گروه	اثر پیلایی	۰/۰۰۱	۲/۷۶۷	۳	۲۰۰	< ۰/۰۰۱
	لامبدای ویلکز	۰/۹۹۹	۲/۷۶۷	۳	۲۰۰	< ۰/۰۰۱
	اثر هتلینگ	۰/۰۰۱	۲/۷۶۷	۳	۲۰۰	< ۰/۰۰۱
	بزرگترین ریشه روی	۰/۰۰۱	۲/۷۶۷	۳	۲۰۰	< ۰/۰۰۱

جهت بررسی فرضیه های پژوهشی تحلیل واریانس چند متغیره بر روی میانگین نمره های نوع دوستی، همدلی و مسئولیت پذیری در گروه زن و گروه مرد انجام شد. نتایج آزمون های اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ، بزرگترین ریشه روی نشان دهنده این موضوع است که بین دو گروه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. در ادامه، برای بررسی این که این تفاوت مربوط به کدام متغیر وابسته است سه تحلیل یک متغیره (آنوا) برای هر یک از متغیرهای وابسته اجرا شد (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک متغیره بر روی نمرات نوع دوستی و همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی در گروه مشاوران زن و مرد

SIG	F	میانگین مجدورات	df	مجموع مجدورات	متغیر مستقل	منبع
۰/۸۲۷	۰/۶۳	۰/۰۶۳	۱	۰/۰۶۳	نوع دوستی	گروه
۰/۷۰۲	۰/۱۴۶	۰/۷۵۹	۱	۷/۵۹	همدلی	
۰/۷۷۴	۰/۸۳	۰/۴۱۰	۱	۹/۱۰	مسئولیت پذیری اجتماعی	
			۲۰۲	۴۹۳/۸۳	نوع دوستی	خطا
			۲۰۲	۱۰۴۵/۳۹	همدلی	
			۲۰۲	۹۹۷/۸	مسئولیت پذیری اجتماعی	

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که تفاوت بین نمره های گروه زن و مرد در متغیر نوع دوستی ($F=۰/۶۳$ و $r<۰/۸۲۷$)، همدلی ($F=۰/۱۴۶$ و $r<۰/۷۰۲$) و مسئولیت پذیری ($F=۰/۸۳$ و $r<۰/۷۷۴$) معنی دار نیست. بنابراین فرضیه اول، دوم و سوم تأیید نمی شود. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین ها، مشاوران زن و مرد اگر چه از نظر میانگین ها با یکدیگر متفاوت هستند ولی میزان تفاوت از نظر آماری به میزانی که معنادار باشد نیست و نشان داده شد که دو گروه از میزان نوع دوستی و همدلی و مسئولیت پذیری تقریباً یکسانی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

نوع دوستی و همدلی و کمک رسانی داوطلبانه و آگاهانه به دیگران، و پذیرش مسئولیت از ضرورت های اساسی در فرایند مشاوره است. هدف پژوهش حاضر به مقایسه نوع دوستی، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی در مشاوران زن و مرد پرداخته که طی آن به نتایج زیر دست یافته است: بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش بین مشاوران زن و مرد از لحاظ میزان نوع دوستی، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول، دوم و سوم پژوهش تأیید نشد. این یافته با تحقیقات قبلی فیض آبادی، فرزاد و شهرآرای (۱۳۸۶) جولیفی و فارینگتن^۱ (۲۰۰۶)، ریف، کتلا و ویفرینگ (۲۰۱۰)، سوسا، مکدونالد، راشبی، لی، دیموسکا و جیمز (۲۰۱۰)، دی آمبروسو، اولیور، دیدون و بسچ^۲ (۲۰۰۹)، کوهن (۲۰۰۰)، رایس و گروسک^۳ (۱۹۷۵)، گروسک و رودلر^۴ (۱۹۸۰)، برگ^۵ (۱۹۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین یافته حاضر چنین می توان استنباط کرد که؛ یکی از مهارت های متداول که در مشاوره، روان درمانی و حرفه های یاورانه برای کمک به مراجعان بکار گرفته می شود همدلی است. مفهوم

1. Jolliffe & Farrington
2. D'Ambrosio, Olivier, Didon, & Besche
3. Rice & Grusec
4. Grusec & Redler
5. Berg

همدلی توسط آدلر ابداع شد و بوسیله راجرز گسترش یافت و به سرعت مورد قبول صاحب‌نظران، محققان و مردم قرار گرفت. همدلی به برقراری رابطه مشاوره‌ای، جلب اعتماد مراجع، جمع‌آوری اطلاعات و روشن کردن مشکل کمک می‌کند و عبارت از توانایی مشاور برای ورود به دنیای درونی مراجع و قرار دادن خود به جای او و احساس کردن، درک کردن تجربه نمودن دنیای بر مبنای داوری درونی او و توانایی مشاور در انتقال و رساندن این درک و احساس و تجربه به مراجع است. از نظر کارل راجرز^۱ (۱۹۵۹) حالت همدلی و یا همدلی نمودن در بردارنده درک دقیق چارچوب مرجع درونی فرد دیگر، به همراه ابعاد عاطفی آن می‌باشد. افرادی که در این ابعاد از همدلی بالایی برخوردارند هنگامی که فردی در اطراف آنها مشکل دارد پاسخ عاطفی و هیجانی نشان می‌دهند و در تعاقب آن در صدد رفع آن مشکل برمی‌آیند. از این رو در سازه‌های مورد مطالعه مبتنی بر تفاوت جنسی باید به جوانب هیجانی و شناختی موضوع توجه کرد چرا که ممکن است تفاوت جنسی در یک وجه از یک متغیر چند وجهی (مانند همدلی) به همه جوانب آن متغیر تعمیم داده شود، یا به عکس، تفاوت جنسی در یک وجه در عدم تفاوت سایر وجوه هضم شود و نادیده گرفته شود. در عین حال در متغیرهای عاطفی مانند یاریگری، همدلی و نوع دوستی مردان یا زنان در یک موقعیت تا حد زیادی بستگی به ماهیت کمک مورد لزوم دارد. بنابراین زنان و مردان به یک اندازه دارای رفتارهای نوع دوستانه و همدلی هستند اما بروز آن به گونه‌ای متفاوت است. بر حسب نقش‌های اجتماعی، مردان در حالت‌های اضطراری و شرایط خطرناک و زنان در وضعیت‌های عادی که متضمن روابط صمیمانه و مراقبتی باشد، نوع دوست‌تر از دیگری می‌باشند (ارنسون، ۲۰۰۲؛ فرانزوی^۲، ۲۰۰۰) و در کل تفاوتی در صفت نوع دوستی و همدلی فعال ندارند. این نکته خود دلیلی بر تأیید یافته حاضر مبنی بر عدم تفاوت بین دو جنس از لحاظ متغیرهای نوع دوستی و همدلی می‌باشد. همچنین یکی از مهمترین مهارتهایی که افراد می‌توانند داشته باشند، توانایی درک مسئولیت در موقعیت‌های مختلف زندگی است. از این رو داشتن احساس مسئولیت در موقعیت‌های شغلی و اجتماعی خود عامل مهمی در ایفای مناسب نقش‌های حرفه‌ای می‌باشد. بر این اساس از آنجا که حرفه مشاوره از جمله شغل‌هایی است که جنبه اخلاقی در نگهداری و حفاظت از اسرار دیگران در آن نمود بسیاری دارد و مسئولیت اجرای آن به عهده مشاور می‌باشد از این رو این نکته باید هم توسط مشاوران زن و هم مشاوران مرد اجرا گردد. بنابراین جنسیت نمی‌تواند دلیلی بر وجود یا عدم وجود این ویژگی در مشاور باشد و از هر دو جنس به یک میزان این صفت انتظار می‌رود که این نکته خود گویای دلیل منطقی عدم تفاوت بین مشاوران زن و مرد در زمینه متغیر مسئولیت‌پذیری می‌باشد.

1. Rogers

2. Franzoi

منابع

- حمزه لویی، احمد (۱۳۷۳). بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری با خودپایایی کارمندان سمت‌های گسترده مرز و غیرگسترده مرز شرکت ملی نفت مناطق نفت‌خیز اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- فیض‌آبادی، زهرا، فرزاد، ولی‌الله و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۶). تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی "فهرست واکنش‌های بین‌فردی" (LRI). مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۸(۳)، ۱۷۸-۱۵۷.
- مارنات، گری گراث (نامشخص). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو (۱۳۸۵). جلد دوم، تهران: انتشارات رشد.
- موسوی، علی (۱۳۷۷). بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و خشنودی شغلی با انگیزه پیشرفت و سلامت روانی در مربیان تربیتی مرد شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اهواز.
- ویلسون، داوود (نامشخص). سوسیوپولوژی. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده (۱۳۸۴). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- Abolghasemi, A. (2010). The reliability and validation of the empathy quotient scale for high school students. *Journal of Psychological Studies*, 5(4), 25-9.
- Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 47(5), 758-762.
- Aronson, E., Timothy, D. W., & Robin, M. A. (2002). *Social psychology*. New Jersey: Prentice Hall, p 388.
- Baron, B., Parker, D., & James, D. A. (2000). *The handbook of emotional Intelligence*. Bass: Sanfran Cisco.
- Batson, C. D., Duncan, B. D., Ackerman, P., Buckley, T., & Birch, K. (1981). Is empathic emotion a source of altruistic motivation? *Journal of Personality and Social Psychology*, 40(13), 290-302.
- Berg, J. H. (1984). Development of Friendship between Roommates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 4(46), 346-356.
- Cohen, J. I. (2000). Stress and mental health: a biobehavioral perspective. *Issues Health Nurs*, 21(5), 185-202.
- D'Ambrosio, F., Olivier, M., Didon, D., & Besche, C. (2009). The basic empathy scale: A French validation of a measure of empathy in youth. *Personality and Individual Differences*, 46(9), 160-165.
- Decety, J. (2011). Dissecting the neural mechanisms mediating empathy. *Emotion Review*, 3(1), 92-108.
- Elwell, F. (2002). The sociology of wright Mills. *Qualitative sociology*, 25(3), 337-43.
- Franzoi, S.L. (2000). *Social Psychology*. New York: Mc Graw Hill, 38(3), 178-157.
- Grusec, J. E., & Redler, E. (1980). Attribution, reinforcement and altruism, A developmental

- analysis. *Developmental psychology*, 16(5), 525-534.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2006). Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggressive Behavior*, 32(2), 540-550.
 - Kim, J., & Lee, S. J. (2010). Reliability and validity of the Korean version of the empathy quotient scale. *Psychiatry Investig.*, 7(1), 24-30.
 - Konrath, S. H., O'Brien, E. H., & Hsing, C. (2011). Changes in dispositional empathy in American college students over time: A meta-analysis. *Personality and Social Psychology Review*, 15(2), 180-198.
 - Latane, B., & Darley, J. M. (1970). *The Unresponsive Bystander, Why Doesn't he Help?* New York: Appleton-Century-Crofts, p 15.
 - Laurent, S. M. & Hodges, S. D. (2009). Gender roles and empathic accuracy: The role of communion in reading minds. *Sex Roles*, 60(5), 387-398.
 - Levine, R., Norenzayan, A., & Philbrick, K. (2006). Cultural Differences in the Helping of Strangers, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32(6), 556-559.
 - Mills, R. & Grusek, J. E. (1991). Cognitive, affective and behavioral consequences of praising altruism. *Merrill Palmer Quarterly*, 35(8), 299- 326.
 - Ogrodniczuk, J., Piper, W. E., Joyce, A.S., Steinberg, P.I., & Duggal, S. (2009). Interpersonal Problem associated with narcissism among psychiatric outpatients. *Journal of psychiatry*, 43(5), 837-842.
 - Paulhus, D. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait selfenhancement: A mixed blessing? *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(5), 1197-1208.
 - Piliavin, J. A. & Charng, H. W. (1990). Altruism: a review of recent theory and research. *Annual Review of Sociology*, 16(6), 25-65.
 - Rice, M. E. & Grusec, J. E. (1975). Saying and doing: effects on observer performance. *Journal of personality and social psychology*, 32(6), 584-593.
 - Rieffe, C., Ketelear, L., & Wiefferink, C. H. (2010). Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (em que). *Personality and individual differences*, in press.
 - Rogers, C. (1959). Significant learning in therapy and in education. *Educational Leadership*, 16(8), 232-242.
 - Segrin, C. & Taylor, M. (2007). Positive interpersonal relationship mediates the association between social skills and psychological well being. *Personality and Individual Differences*, 43(7), 637-646.
 - Shamay-Tsoory, S. G., Aharon-Peretz, J., & Perry, D. (2008). Two systems for empathy: A double dissociation between emotional and cognitive empathy in inferior frontal gyrus versus ventromedial prefrontal lesions. *Brain*, 132(7), 617-627.
 - Smith, T.W. (2006). Altruism and Empathy in America: Trends and Correlates. National Opinion Research Center, University of Chicago, pp.1-48.
 - Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J., Li, S., Dimoska, A., & James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity.
 - Steele, W. R., Schreiber, G. B., Guiltinan, A., Nass, C., Glynn, S. A., Wright, D.J., & et al. (2008). role of altruistic behavior, empathetic concern, and social responsibility motivation in blood donation behavior. *Transfusion*, 48(1), 43-54.
 - Thompson, E. (2001). Empathy and consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, 8(2), 1-32.
 - Ullian, D. (1984). Why girls are good, a constructionist view. *American Journal of Orthopsychia-*

-
- try, 54(6), 71-82.
- Webb, D. J. (2000). Development and Validation of Scales to Measure Attitudes Influencing Monetary Donations to Charitable Organizations. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 28(5), 299-309.
 - West, S., G. & Brown, T. J. (1975). Physical attractiveness, the severity of the emergency and helping: A field experiment and interpersonal simulation. *Journal of personality and social psychology*, 11(6), 531-538.